

اسنادهای اساتید موفق در تدریس اثر بخش بر مبنای روش بنیادبخشی نظریه

احمد خاسان*، لیلای طالب زاده شوشتری** و ولادی پور شامی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی اسنادهای اساتید موفق در تدریس اثربخش بر مبنای روش بنیادبخشی نظریه بود. بدین منظور پانزده نفر از اساتید برجسته دانشگاه‌های سراسری، آزاد و پیام نور بیرجند که طی یک دوره پنج‌ساله در ارزیابی‌های دانشجویان از کیفیت تدریس بالاترین نمره را کسب کرده بودند، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه و پیشینه موضوع جمع‌آوری شدند و با روش‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. براساس نتایج اساتید معتقدند تدریس اثربخش دو دسته نیازهای علمی و پرورشی دانشجویان را برطرف می‌کند. در این پژوهش، بر مبنای روش بنیادبخشی نظریه الگویی برای تدریس اثربخش ارائه شده است. بر پایه نتایج، توانایی استاد در انتقال توان‌مندی‌ها و ویژگی‌های خود به دانشجویان در اثربخشی تدریس نقش اساسی دارد، لذا لازم است اساتید به توانایی انتقال توجه ویژه‌ای داشته باشند. همچنین تدریس اثربخش، بر حسب ماهیت رشته‌های تحصیلی متفاوت است، و نیز دانشجویان اساتید خود را بر اساس توان‌مندی آن‌ها (نه نگرش شخصی) ارزیابی می‌کنند.

کلید واژه‌ها: تدریس اثربخش، اساتید موفق، بنیادبخشی نظریه

پرتال جامع علوم انسانی

* دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه الزهراء (س)، مدرس گروه روان‌شناسی و

L_talebzadeh@yahoo.com

مشاوره دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

*** دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

مقدمه

تدریس، اساسی‌ترین کارکرد نظام آموزش عالی و اصلی‌ترین وظیفه اعضای هیأت علمی است. کیفیت تدریس در ایجاد انگیزه و افزایش کارایی دانشجویان تأثیر بسیاری دارد. یکی از موضوعات مهم در ادبیات تعلیم و تربیت، موضوع «تدریس اثربخش»^۱ است. در آموزش عالی درباره تعریف و شاخص‌های تدریس اثربخش توافق وجود ندارد. هدف پژوهش‌های تدریس اثربخش، ارزیابی اهمیت فعالیت‌های کلاسی و ایجاد فرصت‌های یادگیری است (اپدناکر و دم^۲، ۲۰۰۶). پژوهش‌های مرتبط با تدریس اثربخش را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد: (۱) پژوهش‌های تدریس اثربخش از دیدگاه معلمان؛ (۲) پژوهش‌هایی که عوامل اصلی تدریس اثربخش را بررسی کرده‌اند؛ (۳) پژوهش‌های تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان؛ (۴) پژوهش‌های تدریس اثربخش از دیدگاه اساتید و (۵) پژوهش‌هایی که یکی از عوامل تدریس اثربخش را به صورت ویژه بررسی کرده‌اند.

اولین دسته از پژوهش‌ها، نگرش معلمان را درباره تدریس اثربخش بررسی کرده‌اند. ان‌جی، نیکلاس و ویلیامز^۳ (۲۰۱۰) در پژوهشی دریافته‌اند نگرش معلمان ضمن خدمت درباره تدریس اثربخش از نگرش‌های کنترل کردن شروع می‌شود و تا تسلط بر این نگرش‌ها و ایجاد ارتباط با دانش‌آموزان ادامه می‌یابد. جوردن، گلن و ریچموند^۴ (۲۰۱۰)، در پژوهشی دریافته‌اند بین نگرش معلمان به نقش و مسئولیت خود به عنوان معلم، با اثربخشی تدریس آن‌ها و میزان یادگیری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دسته دوم، عوامل اصلی تدریس اثربخش را به طور کلی بررسی کرده‌اند، به طور مثال، پژوهش راماه^۵ (۲۰۱۱) نشان داد که اساتید اثربخش این ویژگی‌ها را دارند: «آگاهی از نقش خود به عنوان استاد، توانایی شناخت شخصیت دانشجو، توانایی کنترل و ثبات احساسی، رعایت عدالت و رعایت مقررات».

تدریس فرآیندی دوجانبه و دیدگاه دانشجویان نیز در زمینه تدریس اثربخش مهم است. در

1. Effective teaching
2. Opdenakker & Damme
3. Ng, Nicolas & Williams
4. Jordan, Glen & Richmond
5. Rama

دسته سوم پژوهش‌ها، بر نگرش دانشجویان تأکید شده است. گلاسون^۱ (۲۰۰۹) در پژوهش خود عوامل «آمادگی علمی استاد، پیوند دادن نظریه‌های علمی و آموزش به کارگیری آن‌ها در حل مسائل دنیای واقعی و تقویت اعتماد به نفس دانشجویان» را در اثربخشی تدریس مؤثر می‌داند. خاندلوال^۲ (۲۰۰۹) عوامل مؤثر در اثربخشی تدریس را «رابطه دوستانه با دانشجویان، تسلط بر مطلب، رعایت عدالت، وقت گذاشتن برای دانشجویان و کنترل نمودن» بیان می‌کند. چهارمین دسته از پژوهش‌ها دیدگاه اساتید را درباره تدریس اثربخش بررسی کرده‌اند. زنگ^۳ (۲۰۰۹) دریافت اساتیدی که توجه به فعالیت‌های آموزشی در مقایسه با فعالیت‌های پژوهشی را مهم‌ترین ویژگی اساتید اثربخش می‌دانند، از تمام شیوه‌ها برای بالا بردن کیفیت تدریس خود بهره می‌برند و کم‌تر فعالیت پژوهشی انجام می‌دهند. در پژوهش اسدی، غلامی و بلندهمتان (۱۳۹۴) مؤلفه‌های اساسی تدریس اثربخش از دیدگاه اساتید شامل «مهارت‌های آموزشی و منش فردی، خصوصیات اخلاقی و عوامل ارتباطی» بوده‌اند. پنجمین دسته از پژوهش‌ها، عوامل مؤثر در تدریس اثربخش را به صورت مجزا بررسی کرده‌اند، به عنوان مثال در دسته‌ای از پژوهش‌ها «کیفیت تدریس» بررسی شده است. دولین و ساماراویکرما^۴ (۲۰۱۰) در پژوهشی عامل «بافت» در تدریس اثربخش را بررسی کرده و دریافته‌اند تدریس اثربخش به طور دقیق بازتابی است از بافتی که در آن صورت می‌گیرد و باید پاسخگوی بافت‌هایی باشد که در آن یادگیری و تدریس رخ می‌دهند. تسهیل یادگیری و تدریس اثربخش از اصلی‌ترین اهداف آموزش است. با شناخت ویژگی‌ها و روش‌های اساتید اثربخش امید می‌رود به اطلاعات مورد نیاز برای ارتقاء کیفی تدریس اساتید و یافتن نواقص آموزشی دست یابیم. با توجه به عدم وجود توافق درباره تعریف و عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش، ضرورت پژوهش در این زمینه مشخص می‌شود. همچنین مرور پیشینه نشان می‌دهد در اکثر پژوهش‌های انجام شده در زمینه تدریس اثربخش، سؤالات به صورت بسته پاسخ مطرح شده و نظر اساتید درباره یکسری مقوله‌های مشخص و از قبل تعیین شده پرسیده شده است، لذا ممکن است مقوله‌هایی نادیده گرفته شده و عواملی مجال مطرح شدن و بررسی پیدا نکرده

1. Gullason
2. Khandelwal
3. Zhang
4. Devlin & Samarawickrema

باشند. بنابراین، اجرای پژوهش کیفی در این زمینه ضروری است. بر این اساس مطالعه‌ای کیفی با روش مصاحبه عمیق و محتوایی و بر اساس روش «بنیادبخشی نظریه^۱» انجام شد. بنیادبخشی نظریه هم ابزاری است برای ایجاد نظریه و هم روشی است برای انجام دادن پژوهش (گلاسر و استراس^۲، ۱۹۶۵). این روش بر این اصل استوار است که به جای آزمون فرضیه‌هایی که از پیشینه پژوهش استخراج می‌شوند، نظریه از خود داده‌ها استخراج شود و زمانی مناسب است که نظریه‌های موجود برای ایجاد فرضیه کافی نیستند (هیگوک و هولاندر^۳، ۲۰۱۱). در این زمینه که توافق درباره تدریس اثربخش وجود ندارد و پژوهشگر بر آن است تصویر روشن‌تری از این پدیده ارائه کند، استفاده از بنیادبخشی نظریه، باعث می‌شود ابعاد تدریس اثربخش مشخص‌تر شود و نیز بتوان الگویی برای تدریس اثربخش ارائه کرد.

همچنین از آنجایی که تدریس فرآیندی دوجانبه است، افزون بر در نظر داشتن دیدگاه اساتید، توجه به دیدگاه دانشجویان نیز ضروری است؛ به‌عنوان افرادی که به شکلی مستقیم درگیر فرآیند یادگیری هستند و در فرآیند تدریس مشارکت سازنده دارند، لذا در این پژوهش تدریس اثربخش با دیدگاهی یادگیرنده محور بررسی شد و فقط در گروه نمونه اساتیدی انتخاب شدند که از طرف دانشجویان طی یک دوره پنج ساله، در ارزیابی‌های دفتر نظارت و ارزیابی به عنوان اساتید اثربخش شناسایی شده‌اند، و در برگزیدن اساتید سایر عوامل، مثل قابلیت‌های پژوهشی آن‌ها، انتخاب شدن به عنوان استاد نمونه و غیره، در نظر گرفته. هدف پژوهش حاضر بررسی اسنادهای اساتید دانشگاه‌های بیرجند به شکلی عمیق و محتوایی و به روش مصاحبه و شناسایی و ارائه کردن الگویی از مؤلفه‌های تدریس اثربخش بر مبنای روش بنیادبخشی نظریه است. لذا پژوهش در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر بود:

- ۱- بر اساس تجربه و نظر شخصی اساتید موفق تدریس اثربخش چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟
- ۲- تدریس اثربخش برحسب رشته تخصصی اساتید موفق چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟
- ۳- به نظر اساتید موفق چرا دانشجویان تدریس بعضی اساتید را اثربخش‌تر از دیگران ارزیابی می‌کنند؟

1. Grounded theory
2. Glazer & Staruss
3. Heacock & Hollander

روش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است و با روش بنیادبخشی نظریه انجام شده است. بنیادبخشی نظریه بیش از آنکه یک روش پژوهش باشد، الگویی پژوهشی است و امکان ظهور روش‌شناسی پژوهش را فراهم می‌کند (بنزینس و آلن^۱، ۲۰۰۱). این روش دارای چهار مرحله است؛ مرحله اول طراحی پرسش‌ها است که درباره تغییر تجربه در طی زمان و مراحل این تغییر هستند (مورس و ریچاردز^۲، ۲۰۰۲). مرحله دوم، جمع‌آوری داده‌ها است که در این روش معمولاً شیوه اصلی جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌های بدون ساختار^۳ است (پاپاتاناسیس و نول^۴، ۲۰۱۱). در پژوهش حاضر از دو منبع گردآوری اطلاعات شامل الف: مصاحبه و ب: کتابخانه‌ای استفاده شد. بر مبنای روش پژوهش از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شد که عبارت از فرآیند گردآوری داده‌ها به منظور نظریه‌پردازی است، یعنی داده‌ها به طور همزمان، گردآوری و تحلیل شده و در هر مرحله تصمیم‌گیری شد که چه داده‌هایی در مرحله بعدی گردآوری شود. از نظر تعداد، نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که داده‌ها به اشباع نظری رسیدند.

مرحله سوم، تجزیه و تحلیل داده‌ها یا انجام کدگذاری‌ها است. تفکیک عبارات و حتی کلمات به وسیله پژوهشگر و قرار دادن آن‌ها در یک جدول «فرآیند کدگذاری»^۵ نامیده می‌شود که در سه مرحله به نام‌های کدگذاری باز^۶، کدگذاری محوری^۷ و کدگذاری انتخابی^۸ انجام می‌شود (کمپاستر و پری^۹، ۲۰۱۱). در این پژوهش، فرآیند مداوم کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها انجام شد. این کار با مجموعه‌ای بزرگ از کدهای توصیفی شروع شد، سپس در مرحله کدگذاری محوری مقوله‌ها به تدریج به مجموعه‌ای از طبقه‌های تحلیلی کاهش یافت و در مرحله کدگذاری انتخابی این طبقه‌ها به دسته‌های مرکزی کاهش یافت. مرحله چهارم، طراحی

-
1. Benzines & Allen
 2. Morc & Richards
 3. Unstructured
 4. Papathanassis & knolle
 5. Coding process
 6. Open
 7. Axial
 8. Selective
 9. Kempster & Parry

مدل و تدوین نظریه است. در این پژوهش پس از انتخاب مقوله محوری^۱ و براساس روابط موجود میان مقوله‌های سطح بالا، الگویی برای تدریس اثربخش ارائه شد.

جامعه آماری پژوهش کلیه اساتید دانشگاه‌های دولتی، پیام نور و آزاد شهر بیرجند بود که در ارزشیابی از کیفیت تدریس، توسط دانشجویان و در طی پنج سال متوالی گذشته، امتیازهای بالایی را کسب کرده‌اند. اسامی این افراد با مراجعه به دفتر نظارت و ارزیابی هر سه دانشگاه استخراج و به روش نمونه‌گیری هدفمند طبقه‌ای پانزده نفر که بالاترین امتیازها را کسب کرده بودند بر حسب دانشکده‌ای که تدریس می‌کردند، مشخص و از هر دانشکده دو یا سه استاد انتخاب شدند. از آنجایی که هدف پژوهش حاضر ارائه الگویی کلی بر مبنای عوامل اساسی تأثیرگذار در تدریس اثربخش بود، با وجود تفاوت‌هایی در تدریس اساتید در دانشگاه پیام نور با سایر دانشگاه‌ها، تعدادی از اساتید این دانشگاه نیز در گروه نمونه قرار گرفتند. البته بررسی و مقایسه مقوله‌های به دست آمده از مصاحبه با اساتید این دانشگاه با اساتید دانشگاه‌های دولتی و آزاد نشان داد مقوله‌های تدریس اثربخش از نظر اساتید در هر سه دانشگاه مشترک هستند. همچنین از آنجایی که تصور می‌شد تدریس اثربخش می‌تواند بر حسب ماهیت علوم مختلف متفاوت باشد، اعضای گروه نمونه به شکلی انتخاب شدند که از هر سه دانشگاه و همه دانشکده‌ها افرادی در گروه نمونه موجود باشند. در نهایت ده نفر از دانشگاه دولتی بیرجند، سه نفر از دانشگاه پیام نور بیرجند و دو نفر از اساتید دانشگاه آزاد بیرجند انتخاب شدند.

در این پژوهش نخست تمامی کتاب‌ها و مقالات دارای عنوان تدریس اثربخش یا عناوین مرتبطی مثل «تدریس موفق» و «تدریس با کیفیت» بررسی شد. به دلیل وجود تفاوت‌هایی میان این اصطلاحات، در ادامه فقط منابع مرتبط با تدریس اثربخش بررسی و استفاده شد. سپس باتوجه به تفاوت‌های موجود میان تدریس اثربخش در آموزش و پرورش با تدریس اثربخش در آموزش عالی، بر تدریس اثربخش در آموزش عالی متمرکز شده و منابع مرتبط با تدریس اثربخش در آموزش عالی انتخاب و مطالعه شدند.

برای انجام مصاحبه‌ها در ابتدا «راهنمای مصاحبه» تهیه و تعدادی سؤال اولیه در نظر گرفته شد. پس از انجام سه مصاحبه آزمایشی و تحلیل نتایج این مصاحبه‌ها سه سؤال کلی به عنوان سؤالات اصلی پژوهش انتخاب شد. در ابتدا از اساتید درخواست شد زمان مصاحبه را

1. Core Concept

مشخص کنند و پژوهشگر در زمان مشخص شده توسط اساتید و در دفتر کار آن‌ها در دانشگاه حضور می‌یافت. مصاحبه‌ها در عین متعهد بودن به چارچوب اصلی حالتی انعطاف‌پذیر داشت. نخست سؤالات اصلی مطرح می‌شد و برای رفع ابهام یا کسب اطلاعات دقیق‌تر و بیشتر هر جا لازم بود پرسش‌های پیگیری نیز مطرح می‌شد که از قبل تدوین و تأیید شده بود. با موافقت همه مصاحبه‌شونده‌ها، همه مصاحبه‌ها ضبط شد تا تحلیل داده‌ها با دقت بسیار انجام شود. همچنین علاوه بر ضبط مصاحبه‌ها، پژوهشگر در فرآیند مصاحبه و پس از آن یادداشت‌های نظری نیز می‌نوشت. این یادداشت‌ها در ادامه کار به فرآیند تحلیل کمک زیادی کرد. با توجه به هدف و روش پژوهش، مصاحبه‌ها تا رسیدن به مقوله محوری و اشباع نظری ادامه یافت. مدت زمان مصاحبه‌ها نیز از ۴۰ - ۱۰۵ دقیقه متغیر بود و به طور متوسط هر مصاحبه ۸۰ دقیقه به طول انجامید.

یافته‌ها

پاسخ به سؤال اول: «براساس تجربه و نظر شخصی شما تدریس اثربخش چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟» در بخش اول این سؤال اساتید تدریس اثربخش را تعریف و در بخش دوم عوامل مؤثر بر اثربخشی تدریس را بیان کرده‌اند.

در بخش اول سؤال اول و تعریف تدریس اثربخش، تعاریف متفاوتی ارائه شد. با اینکه در بسیاری از موارد، مشترکات زیادی بین پاسخ‌ها وجود دارد، در عین حال تنوع توجه برانگیزی نیز داشتند. پاسخ دو نفر از مصاحبه‌شونده‌ها به این سؤال در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱: تعریف مصاحبه‌شونده‌ها از تدریس اثربخش

| مصاحبه‌شونده | تعریف تدریس اثربخش |
|--------------|---|
| شماره سه | «تدریس زمانی اثربخش است که استاد بتواند ارتباط خوبی با دانشجو برقرار کند و به روز باشد، از نتایج پژوهش‌های خودش استفاده کند و تدریس علمی و خوبی داشته باشد.» |
| شماره سیزده | « تدریسی اثربخش است که استاد رابطه‌ای صمیمی با دانشجو داشته باشد و مطالبی که بیان می‌کند برای خودش کاملاً جا افتاده باشد و روش تدریس او با مطالبی که تدریس می‌کند متناسب باشد.» |

در بخش دوم سؤال اول، ویژگی‌ها و عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش، اساتید به موارد متعددی اشاره کردند. پس از نخستین مصاحبه فرآیند پیاده‌سازی به صورت کلمه به کلمه آغاز شد. در مجموع از پانزده مصاحبه، نود و هفت صفحه متن پیاده‌سازی شده از مصاحبه‌ها و پانزده صفحه یادداشت‌های نظری در اختیار پژوهشگر قرار داشت. مرحله بعدی پژوهش، کدگذاری متن مصاحبه‌ها و انجام کدگذاری باز بود. این مرحله را کدگذاری خط به خط^۱ می‌نامند. در این پژوهش، برای کدگذاری از واژگان پرکاربرد مصاحبه‌شونده‌ها استفاده شد تا هدف اصلی پژوهش تأمین شود که رسیدن به الگویی برگرفته از داده‌ها است و پژوهشگر در چارچوب مفاهیم و مقولات پژوهش‌های قبلی محدود نشود. گاهی از یک جمله بیش از یک کد باز استخراج شده و گاه چند جمله با هم دربرگیرنده یک کد باز بود. در پایان این مرحله از نود و هفت صفحه متن پیاده شده از پانزده مصاحبه، هزار و دویست و سی و هشت کد باز استخراج شد. در موارد بسیار این کدها تکراری بودند، به عنوان مثال به کد باز «منظم بودن» بیست و دو بار اشاره شده بود. در مرحله بعدی کدهای به‌دست آمده دوباره دسته‌بندی شدند. در مرحله کدگذاری محوری، داده‌ها براساس الگو و روندی طبقه‌بندی می‌شوند که در بین آن‌ها آشکار می‌شود که این مرحله راهی برای ارتباط منطقی بین طبقات و زیرطبقات است (پریست، روبرتز و وودز^۲، ۲۰۰۲). در این مرحله کدهای به‌دست آمده، از نظر محتوایی و به شکلی مفهومی با دقت مرور شدند و در دسته‌هایی قرار گرفتند که از نظر مفهومی مشترک هستند. البته فرایند کدگذاری محوری پس از اولین کدگذاری‌ها و تقریباً به صورت همزمان در کل فرایند پژوهش صورت گرفته و تا انتهای پژوهش نیز ادامه یافت. به عنوان مثال تعدادی کد باز و مقوله محوری مرتبط با آنها در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲: مثال‌هایی از مفاهیم به‌دست آمده از کدگذاری باز و تبدیل آن‌ها به کدهای محوری

| کدهای محوری | مفاهیم به‌دست آمده از کدگذاری باز |
|----------------|--|
| فن‌آوری آموزشی | استفاده از نرم افزار پاورپوینت، استفاده از عکس، استفاده از نقشه، استفاده از نمودار، استفاده از فیلم‌های آموزشی، استفاده از نرم افزارهای جدید، کاربرد به جا و درست ابزارهای کمک آموزشی. |

1. Line by Line coding
2. Priest, Robert & Woods

در پایان پژوهش، هزار و دویست و سی و هشت کد باز پس از چندین بار مرور از نظر مفهومی در چهل و هفت مقوله محوری دسته‌بندی شدند. این مقوله‌های محوری که بارها توسط اساتید مطرح و به اشباع رسیده‌اند، در جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳: مقوله‌های محوری به دست آمده از کدگذاری محوری

| | |
|---|------------------------|
| <p>۱- ماهیت درس، ۲- تنوع دانشجویان در کلاس، ۳- زمان برگزاری کلاس، ۴- مدیریت و امکانات دانشگاه، ۵- محیط فیزیکی دانشگاه، ۶- شرایط اقتصادی، ۷- شرایط فرهنگی و اجتماعی، ۸- میزان پذیرش دانشجو، ۹- قوانین ارتقاء اساتید، ۱۰- علاقه و انتخاب آگاهانه شغل معلمی، ۱۱- داشتن منش مدرسی، ۱۲- ظاهر و پوشش مناسب، ۱۳- صبر و سعه صدر، ۱۴- نگاه انسانی به دانشجو، ۱۵- لحن و نوع گفتار، ۱۶- وجدان و تعهد شغلی، ۱۷- نظم و وقت شناسی، ۱۸- توانایی تجزیه و تحلیل، ۱۹- هوش متناسب با رشته تخصصی، ۲۰- ارتباط محترمانه، ۲۱- ارتباط دوستانه، ۲۲- توجه به تک‌تک دانشجویان، ۲۳- راهنمایی و مشاوره در همه زمینه‌ها، ۲۴- درک نمودن و رفع مشکلات دانشجویان، ۲۵- ایجاد انگیزه و علاقه، ۲۶- در دسترس بودن، ۲۷- انعطاف‌پذیری، ۲۸- تسلط به محتوای درس، ۲۹- روش تدریس مناسب، ۳۰- داشتن برنامه و طرح درس، ۳۱- داشتن نظر اصلاحی در مورد سرفصل‌ها، ۳۲- پاسخ به تمامی سؤالات دانشجویان، ۳۳- استفاده از مثال‌های عینی و ساده، ۳۴- جلب توجه و مشارکت دانشجویان، ۳۵- به روز بودن، ۳۶- فن‌آوری آموزشی، ۳۷- تجربه و تبحر عملی، ۳۸- بازخورد گرفتن، ۳۹- ارزشیابی علمی و عادلانه، ۴۰- توانایی انتقال، ۴۱- ایجاد اعتماد به نفس در دانشجویان، ۴۲- تربیت انسان‌های اندیشمند، ۴۳- تربیت انسان‌های متعهد، ۴۴- ایجاد تحول در نگرش و شخصیت، ۴۵- داشتن مهارت‌های لازم برای اشتغال، ۴۶- تربیت پژوهشگر، ۴۷- تربیت یادگیرندگان خود راهبر</p> | <p>مقوله‌های محوری</p> |
|---|------------------------|

سومین مرحله روش بنیادبخشی نظریه، کدگذاری انتخابی است که شامل تشخیص یک مقوله محوری که مفهوم اصلی را در بر دارد و یکپارچه سازی زیرمقوله‌ها در مقوله‌ها و ارتباط دادن آن‌ها با مقوله اصلی است (جو، ۲۰۱۱). پس از مصاحبه نهم پژوهشگر متوجه شد همه اساتید با تعابیر مختلف از مقوله‌ای صحبت می‌کنند که «توانایی انتقال» نامیده شد. با مراجعه به یادداشت‌های نظری و مصاحبه‌های ضبط شده و پس از ده مصاحبه اهمیت این مقوله بر پژوهشگر آشکارتر شد و توانایی انتقال به عنوان کد انتخابی در الگو قرار گرفت. تعداد پنج مصاحبه دیگر نیز برای اعتباربخشی به الگوی اولیه انجام شد و الگو اصلاح و نهایی شد.

پاسخ به سؤال دوم: «در رشته تخصصی شما تدریس اثربخش چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟» سه نفر، معتقد بودند که تدریس اثربخش براساس رشته‌ها تفاوت خاصی ندارد و عوامل مؤثر در اثربخشی تدریس تا حد زیادی مشترک هستند. به عنوان مثال مصاحبه‌شونده شماره چهارده معتقدند: «به باور من تدریس یعنی تعامل بین استاد و دانشجو، البته ماهیت دروس کاملاً متفاوت است، ولی چارچوب درس، چارچوبی عام است». دوازده استاد دیگر بر حسب رشته‌ای که تدریس می‌کردند، بعضی عوامل را در اثربخشی تدریس مؤثرتر می‌دانستند. پاسخ دو نفر از مصاحبه‌شونده‌ها در جدول (۴) آورده شده است.

جدول ۴: تفاوت تدریس اثربخش برحسب ماهیت متفاوت رشته‌های تحصیلی

| مصاحبه‌شونده | پاسخ به سؤال دوم |
|---------------------------------|---|
| شماره هشت، رشته مدیریت | «علوم دو دسته هستند، علوم مهندسی که به دنبال انتقال یک مهارت یا فن هستند و علوم انسانی که به دنبال ایجاد یک نگرش یا دانش جدید هستند. در مدیریت توانایی انتقاد مهم است و من سعی می‌کنم تفکر انتقادی را در دانشجویان پرورش بدهم». |
| شماره نه، رشته مهندسی مکانیک | «در رشته‌های ما، اینکه بتوانیم مطالب نظری را که در کلاس می‌گوییم با عمل پیوند بزنیم خیلی تأثیر دارد؛ البته تا جایی که مطالب نظری را فدا نکنیم». |

پاسخ به سؤال سوم: «به نظر شما چرا دانشجویان تدریس بعضی از اساتید را اثربخش‌تر از دیگران ارزیابی می‌کنند؟». دوازده نفر از پانزده نفر به این سؤال براساس عوامل مؤثر در تدریس اثربخش پاسخ دادند و اظهار داشتند از آنجایی که اساتید بر حسب این مقوله‌ها متفاوت هستند، دانشجویان تدریس بعضی اساتید را اثربخش‌تر از دیگران ارزیابی می‌کنند. سه نفر از اساتید با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و شرایط دانشجویان به این سؤال پاسخ داده‌اند. دو نمونه از پاسخ‌ها در جدول شماره (۵) آورده شده است.

جدول ۵: پاسخ سه نفر از مصاحبه‌شونده‌ها به سؤال شماره سه

| مصاحبه‌شونده | پاسخ به سؤال شماره سه |
|--------------|---|
| شماره هشت | «به نظر من اکثر دانشجویان انگیزه کم‌تری نسبت به قبل دارند و دنبال پاس کردن درس‌ها هستند، هرچه استاد سخت‌گیری کم‌تری بکند، تدریس وی را اثربخش‌تر ارزیابی می‌کنند». |
| شماره یازده | «برای بعضی از دانشجویان سطح علمی استاد مهم است، ولی بعضی دنبال نمره گرفتن هستند و بر اساس معیار سهل یا دشوار بودن پاس کردن دروس اساتید را ارزیابی می‌کنند». |

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی بخش اول سؤال اول، پژوهشگر دریافت تعاریفی که اساتید برای تدریس اثربخش بیان می‌دارند به نگرشی برمی‌گردد که نسبت به نقش و وظیفه خود به عنوان یک استاد دارند. در همه این تعاریف، اساتید بر اساس وظیفه و جایگاه خود، اهداف و وظایفی را برای خود در نظر گرفته و اثربخشی را ناشی از تحقق این اهداف می‌دانستند. دامنه این اهداف متفاوت است، به عنوان مثال تعدادی بر نقش خود به عنوان انتقال‌دهنده مجموعه‌ای از دانش و مهارت‌های ویژه به دانشجویان می‌نگرند و عده‌ای دیگر علاوه بر آموزش، پرورش و رشد دادن دانشجو را نیز مد نظر قرار داده‌اند و اثربخشی را براساس آن تعریف کرده‌اند. در واقع، تعاریف اساتید از اثربخشی به باورهای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی آن‌ها برمی‌گردد که نقش و وظیفه آن‌ها را به عنوان استاد اثربخش تعیین می‌کند. همه اساتید شرکت‌کننده در این پژوهش به هر دو بعد آموزش و پرورش دانشجویان توجه دارند. از نظر اساتید تدریس اثربخش، پدیده‌ای دو بعدی شامل ابعاد آموزشی و پرورشی است و بر اساس نتایج می‌توان تدریس اثربخش را به این شکل تعریف کرد: «تدریس اثربخش، تدریسی است که همزمان نیازهای علمی و نیازهای پرورشی دانشجویان را برطرف کند».

در بررسی بخش دوم سؤال اول و در جستجوی مقوله‌های مؤثر در اثربخشی تدریس، فرآیند کدگذاری مصاحبه‌ها از همان نخستین مصاحبه آغاز شد. در این پژوهش شکل‌گیری نظریه و انجام مراحل به صورت همزمان انجام می‌شد و پژوهشگر دائماً میان یافته‌ها و نظریه در حال رفت و برگشت بود. پس از کدگذاری پنجمین مصاحبه بود که پژوهشگر متوجه شد کدهای به دست آمده را می‌توان در سه دسته کلی تر قرار داد و یک الگوی سه وجهی اولیه شامل «ویژگی‌های فردی، بعد علمی تدریس و بعد ارتباطی تدریس» شکل گرفت. پس از کدگذاری مصاحبه هشتم پژوهشگر دریافت یکسری از مقوله‌های محوری به دست آمده، به پیامدها و نتایج تدریس اثربخش اشاره دارند و با بازبینی مقوله و ویژگی‌های فردی به این نتیجه رسید مقوله «علاقه و انتخاب آگاهانه شغل معلمی» مهم‌تر از آن است که در ردیف سایر ویژگی‌های فردی قرار بگیرد و در واقع، عامل علاقه و انگیزه بخشی از ویژگی‌های فردی استاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، لذا این مقوله از ویژگی‌های فردی جدا شد.

پس از مصاحبه نهم پژوهشگر دریافت مقوله «توانایی انتقال» که در ابتدا به عنوان یکی از مقوله‌های فرعی بعد علمی تدریس در نظر گرفته شده بود، مفهومی بسیار وسیع‌تر دارد و می‌تواند به عنوان مقوله محوری باشد، لذا این مقوله نیز از سه مقوله اصلی جدا شد و یک الگوی ثانویه شامل پنج وجه و دو دسته عوامل بافتی و پیامدها و نتایج شکل گرفت. سپس پژوهشگر ویژگی‌های فردی را به دو دسته عوامل مؤثر در بعد علمی تدریس و مؤثر در بعد ارتباطی تدریس تقسیم نمود و الگوی کامل‌تری شکل گرفت. از مصاحبه هشتم تا دهم پژوهشگر علاوه بر بررسی صحت نامگذاری مقوله‌ها و میزان کلیت آن‌ها، به جستجو و پرسش درباره نوع ارتباط مقوله‌ها با هم اقدام کرد. در پایان مصاحبه دهم الگوی اولیه شکل گرفت که در آن مقوله‌های علی الگو تقریباً تأیید شده بود و عامل کلی بافت نیز به دو دسته بافت خرد و کلان تقسیم شد. سپس در مرحله اعتباربخشی به الگوی اولیه، به پنج نفر از مصاحبه‌شوندگان کلیدی، دوباره مراجعه و از آن‌ها درخواست شد الگو را بررسی و نظرات اصلاحی خود را اعلام کنند. به این ترتیب با اعمال نظر اعضای نمونه، اصلاحاتی اعمال و الگو نهایی شد. الگوی حاصله در نمودار (۱) آورده شده است. در این الگو همه مقوله‌های محوری حاصل از یافته‌های پژوهش براساس ارتباط با سایر مقوله‌های محوری در جایگاه مناسب خود قرار گرفته‌اند. این الگو شامل سه بخش «بافت»، «موجبات علی» و «پیامدها» است. بافت به دو بخش بافت خرد و بافت کلان تقسیم شده است. بافت خرد به دانشگاهی اشاره دارد که تدریس استاد در آن صورت می‌گیرد و بافت کلان به جامعه‌ای اشاره دارد که پدیده تدریس اثربخش در آن صورت می‌گیرد. در بررسی پیشینه، پژوهشی یافت نشد که در آن به نقش بافت یا شرایط زمینه‌ای در اثربخشی تدریس اساتید اشاره شده باشد، لذا نقش مقوله بافت شامل بافت خرد و کلان در اثربخشی تدریس از یافته‌های منحصر به فرد پژوهش حاضر است. لازم است اساتید، مسئولان و برنامه‌ریزان و همه دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی به نقش عامل بافت در همه ابعاد آن در تدریس اثربخش توجه ویژه‌ای داشته باشند.

موجبات علی شامل سه مقوله «ویژگی‌های فردی»، «بعد علمی تدریس» و «بعد ارتباط انسانی تدریس» و مقوله محوری «توانایی انتقال» است. ویژگی‌های فردی به دو بخش «ویژگی‌های فردی مؤثر در بعد علمی» و «ویژگی‌های فردی مؤثر در بعد ارتباط انسانی» تقسیم شده و مقوله «علاقه و انتخاب آگاهانه شغل معلمی» به دلیل اهمیت آن به صورت مجزا در

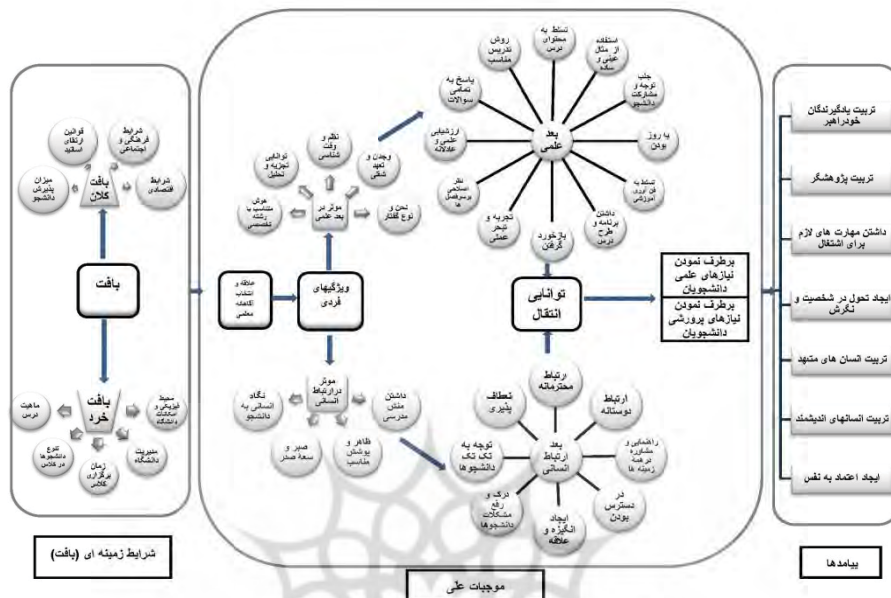
الگو قرار گرفته است. در زمینه عوامل علی تدریس اثربخش بسیاری از عوامل ذکر شده، در پژوهش‌های پیشین نیز مورد توجه بوده‌اند. برای نمونه توانمندی علمی استاد از جمله عواملی است که در پژوهش‌های بسیاری از جمله گارنی (۲۰۰۷)، و کلی (۲۰۰۷) بررسی شده است. عبدی، نصر، میرشاه جعفری و ربیعی (۱۳۹۰) بر پایه نتایج پژوهش خود دریافتند بین دانش فراشناختی اعضای هیأت علمی با اثربخشی تدریس آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد. نیک‌نشان، نصر اصفهانی، میرشاه جعفری و انصاری (۱۳۸۸) نقش محتوای مناسب را بررسی کردند و دریافتند اساتید برای مناسب کردن محتوای درسی بر مقوله‌هایی همچون تکراری نبودن مطالب درسی، ارائه دروس به صورت عملی، ارائه محتوا به صورت غنی، متناسب کردن محتوا با علائق دانشجویان و انعطاف‌پذیری محتوا تأکید دارند. به مشارکت دادن فعال فراگیران در فرآیند یادگیری (مک‌کوئین، ۲۰۱۱) و ماهیت و فراوانی تکالیف (شونوتر و همکاران، ۲۰۰۶) نیز به عنوان عوامل مؤثر در تدریس اثربخش اشاره شده است.

ارتباط استاد-دانشجو نیز به عنوان عاملی مهم در تدریس اثربخش مطرح و در پژوهش‌های متعدد به آن به عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر در تدریس اثربخش اشاره شده است، از جمله پژوهش‌های کلی^۱ (۲۰۰۷)، گارنی^۲ (۲۰۰۷)، راماس^۳ (۲۰۱۱)، و شونوتر^۴ و همکاران (۲۰۰۶). کارپنتر و تیت^۵ (۲۰۰۱) دو مورد از بارزترین ویژگی‌های تدریس اثربخش را فراگیرمحور بودن و ابتکاری بودن و استفاده از فن‌آوری‌های نوین آموزشی برشمرده‌اند. گونجی، خشنودی‌فر، حسینی و همکاران (۲۰۱۴) بر مبنای نتایج پژوهشی پنج مؤلفه اساسی تدریس اثربخش را شامل طرح درس، مهارت‌های تدریس، تسلط بر محتوای درس، مهارت‌های ارتباطی و قابلیت‌ها و توانمندی‌های فردی برشمرده‌اند. همانگونه که ذکر شد میان عوامل علی تدریس اثربخش در پژوهش حاضر و یافته‌های پژوهش‌های پیشین توافق زیادی وجود دارد و مقوله‌های ذکر شده در بخش عوامل علی شامل مقوله‌های کلی «علاقه و انتخاب آگاهانه شغل معلمی، ویژگی‌های فردی، ابعاد علمی و ابعاد ارتباط انسانی تدریس» از مقوله‌های مشترک پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها هستند. این موضوع نشانه اهمیت این مقوله‌ها در اثربخشی

-
1. Kelly
 2. Gurney
 3. Rama
 4. Schonwetter
 5. Carpenter & Tait

تدریس اساتید است. مقوله توانایی انتقال به عنوان مقوله محوری و عامل رابط سه مقوله کلی دیگر در الگو نشان داده شده است. پدیده تدریس اثربخش در الگو دارای دو بعد «برطرف کردن نیازهای علمی دانشجویان» و «برطرف کردن نیازهای پرورشی دانشجویان» نشان داده شده است. بخش پیامدهای تدریس اثربخش شامل هفت مقوله در الگو نشان داده شده است. در بررسی پیشینه، پژوهشی یافت نشد که پیامدهای تدریس اثربخش را از دیدگاه اساتید بررسی کرده باشد و مقوله‌های شناسایی شده در بخش پیامدهای تدریس اثربخش نیز از یافته‌های منحصر به فرد پژوهش حاضر هستند.

به‌رغم قدمت تدریس، اصطلاح «تدریس اثربخشی» قدمت زیادی ندارد. اکثر این پژوهش‌های مرتبط با تدریس اثربخش نیز به صورت کمی انجام شده و نحوه ارتباط عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش با هم، میزان اهمیت و نحوه تأثیرگذاری هر کدام مشخص نیست، به عنوان مثال «علاقه به شغل معلمی» و «توانایی انتقال» هم‌ردیف سایر عوامل قرار گرفته است و اهمیت آن مشخص نیست. همچنین، پژوهشگر نتوانست الگویی برای تدریس اثربخش بیابد که در آن عوامل بافتی و شرایط علی و پیامدها مطرح شده باشند. به نظر می‌رسد بررسی تدریس اثربخش با این روش و تلاش در جهت تکمیل الگوی پژوهش حاضر و ارائه کردن الگوهای کامل‌تر در افزایش دانش موجود در زمینه تدریس اثربخش و کاربردی کردن یافته‌های موجود برای ارتقاء عملکرد اساتید سودمند است.



نمودار ۱: الگوی تدریس اثربخش بر اساس اسنادهای اساتید موفق و بر مبنای روش بنیادبخشی نظریه

در بررسی سؤال دوم سه نفر از اساتید معتقد بودند تدریس اثربخش بر حسب رشته‌ها تفاوت خاصی ندارد و دوازده نفر برای اثربخش بودن تدریس در رشته تخصصی خود، بعضی ملاک‌ها را مهم‌تر می‌دانستند. براساس پاسخ اساتید، رشته‌ها را می‌توان به دو دسته کلی «علوم انسانی» و «علوم پایه و فنی مهندسی» تقسیم کرد. در رشته‌های علوم انسانی «قدرت تحلیل و استدلال استاد و آشنایی او با علوم دیگر، توجه به ایجاد تغییر در نگرش دانشجویان و رشد دادن تفکر انتقادی در آن‌ها، تعصب نداشتن و بی‌طرفی استاد در ارائه نظریه‌ها» به عنوان عوامل اصلی ذکر شدند. در علوم پایه و فنی و مهندسی «توجه به کاربرد درس‌ها، باتجربه و متبحر بودن استاد در زمینه‌های عملی، استفاده از فن‌آوری آموزشی و تسلط و به‌کارگیری نرم‌افزارهای پرکاربرد در رشته مورد نظر» مهم‌تر بودند. همچنین تمامی اساتید «تدریس با زبان ساده و استفاده از مثال‌های عینی و ملموس» را از عوامل مهم در اثربخشی تدریس در رشته خود می‌دانستند. این مطلب نشان‌دهنده اهمیت تدریس با زبان ساده و استفاده از مثال است.

در بررسی سؤال سوم اکثر اساتید (دوازده نفر) علت ارزیابی‌های متفاوت دانشجویان از

اثربخشی تدریس اساتید را به توانمندی‌های علمی، ارتباطی و شخصیتی استاد نسبت داده‌اند و اکثر اساتید معتقد بودند توانمندی استاد در ارائه تدریس اثربخش، متغیری است که در ارزیابی‌های دانشجویی مورد سنجش قرار می‌گیرد. براساس نظر اکثر اساتید، دیدگاه دانشجویان، در ارزیابی‌هایی که از اساتید خود انجام می‌دهند، نقش اندکی دارد. در مقابل، سه نفر از اساتید نگرش‌ها و ویژگی‌های دانشجویان را در ارزیابی‌هایی که از اساتید خود به عمل می‌آورند به عنوان مهم‌ترین عامل ذکر کردند. به عقیده این اساتید انگیزه دانشجویان از ورود به دانشگاه و اهداف آن‌ها از یاد گرفتن مطالب جدید و تخصص‌های گوناگون تا اخذ مدرک متفاوت است و این عوامل نقش اصلی را در ارزیابی‌های آن‌ها از اساتید دارند. بر اساس نظر اکثریت اساتید می‌توان نتیجه گرفت: «دانشجویان تدریس اساتیدی را اثربخش‌تر از دیگران ارزیابی می‌کنند که از لحاظ عوامل مؤثر در تدریس اثربخش توانمندتر باشند و دانشجویان در پایان کلاس و دوره، اطلاعاتی را که نمی‌دانند یاد بگیرند، در نگرش و انگیزه آن‌ها تحول ایجاد شود و در جنبه‌های علمی، مهارت‌های حرفه‌ای و اخلاقی چیزی یاد گرفته باشند».

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تدریس اثربخش با روش مشاهده و در هر رشته تحصیلی بررسی شود تا عوامل مؤثر بر آن در رشته‌های تحصیلی مختلف شناسایی شوند. همچنین به‌منظور بررسی نگرش‌ها و کنش‌هایی که مانع اثربخشی تدریس می‌شوند، اسنادهای اساتیدی که در ارزیابی‌های دانشجویی رتبه‌های پایینی کسب کرده‌اند نیز بررسی و با گروه بالا مقایسه شود. انجام پژوهش‌هایی در سطح دانشگاه‌های کشور برای دستیابی به نتایج جامع پیشنهاد می‌شود. از آنجایی که دیدگاه دانشجویان در بررسی اثربخشی تدریس مهم است، مصاحبه با دانشجویان و مقایسه دیدگاه‌های اساتید و دانشجویان درباره تدریس اثربخش در پژوهش‌های آتی نیز پیشنهاد می‌شود.

منابع

- اسدی، محمد،، غلامی، خلیل و بلندهمتان، کیوان (۱۳۹۴). عوامل و مؤلفه‌های بنیادی تدریس اثربخش در آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه کردستان، *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۱(۱): ۱۴۹ - ۱۲۳.
- عبدی، حمید، نصر، احمدرضا، میرشاه جعفری، سید ابراهیم و ربیعی، مهدی (۱۳۹۰). رابطه دانش فراشناختی و میزان اثربخشی تدریس اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۷(۴): ۸۱ - ۹۲.
- نیک‌نشان، شقایق، نصر اصفهانی، احمد رضا، میرشاه جعفری، ابراهیم و انصاری، مریم (۱۳۸۸). میزان استفاده استادان از محتوای درسی مناسب برای دانشجویان استعداد درخشان و عادی، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۵(۴): ۹۰ - ۶۷.
- Aggarwal Khandelwal, K. (2009). Effective Teaching Behaviors in the College Classroom: A Critical Incident Technique from Students' Perspective. *International Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, 21,(3): 299-309.
- Benzines, K., M., & Allen, M. N. (2001). Symbolic interactionism as a theoretical perspective for multiple method research. *Journal of Advanced Nursing*, 33, (4): 541-547.
- Carpenter, B. & Tait, G. (2001). The rhetoric and reality of good teaching: A case study across three faculties at the Queensland University of Technology. *Higher Education*, 42: 191-203.
- Corbin, Y., & Strauss, A. (1990). Grounded Theory Research: Procedures, Canons and Evaluative Criteria. *Qualitative Sociology*, 13: 3-21.
- Devlin, M., & Samarawickrema, G. (2010). The criteria of effective teaching in a changing higher education context. *Higher Education Research & Development*, 29, (2): 111-124.
- Ghonji, M., Khoshnodifar, Z., Hosseini, S. M., & Mazlounzadeh, S. M. (2014). Analysis of the some effective teaching quality factors within faculty members of agricultural and natural resource colleges in Tehran University. *Journal of the Saudi Society of Agricultural Sciences*, 1-7.
- Glaser, B. (2002). Conceptualizations: On theorizing using grounded theory. *International Journal of Qualitative Methods*, 1, (2): 1-3.
- Glaser, B., & Strauss, A. (1965). *Awareness of Dying*. Chicago: Aldine.
- Gullason, E. (2009). A Complication and Synthesis of Effective Teaching Strategies in the Economics Discipline. *Journal of Business & Economic Studies*, 15, (2): 83-95.

- Gurney, P. (2007). Five factors for effective teaching. *New Zealand Journal of teachers' work*, 2(4): 89- 98.
- Heacock, E., & Hollander, J. (2011). A grounded theory approach to development suitability analysis. *Landscape and Urban Planning*, 109-116.
- Joo, J. (2011). Adoption of Semantic Web from the perspective of technology innovation: A grounded theory approach. *International Journal of Human-Computer Studies*, 69: 139-154.
- Jordan, A., Glenn, C., & McGhie-Richmond, D. (2010). An integrated professional development model for effective teaching. *Teaching and Teacher Education*, 26: 1687-1694.
- Kelly, C. (2007). Student`s perceptions of effective clinical teaching revisited. *Nurse education today*, 27: 885- 892.
- Kempster, S., & Parry, K., W. (2011). Grounded Theory and leadership research: A critical realist perspective. *The Leadership Quarterly*, 22: 106-120.
- Kuijpers, J., M., Houtveen, A., M., & Wubbels, T. (2010). An integrated professional development model for effective teaching. *Teaching and Teacher Education*, 26: 1687-1694.
- McKeown, R. (2011). In to the classroom: a practical guide for starting student teaching. USA: Torchbearer texts.
- Morse, J., M., & Richards, L. (2002). *Read me first for a user's guide to qualitative methods*. London: Sage.
- Ng, W., Nicholas, H., & Williams, A. (2010). School experience influences on pre-service teachers' evolving beliefs about effective teaching. *Teaching and teacher Education*, 26: 278-289.
- Opendakker, M., Ch., & Damme, J., V. (2006). Teacher characteristics and Teaching styles as effectiveness enhancing factors of classroom practice. *Teaching and teacher education*, 22, 1-21.
- Papathanassis, A., & Knolle, F. (2011). Exploring the adoption and processing of online holiday reviews: A grounded theory approach. *Tourism Management*, 32: 215-224.
- Priest, H., Robert, P., & Woods, L. (2002). An Overview of three different approaches to interpretation of qualitative data. *Nurse Researcher*, 10: 30-40.
- Rama, S. (2011). Professor's performance for effective teaching (Kosovo case). *Procedural Social and Behavioral Science*, 12, (1): 117-121.
- Schonwetter. DJ., Lavigne S., Mazurat R., Nazarko O. (2006). Student` perceptions of effective classroom and clinical teaching in dental and dental hygiene education. *Journal of dental education*, 70(6): 624- 635
- Zhang, L., F. (2009). From conceptions of effective teachers to styles of teaching: Implications for higher education. *Learning and individual Differences*, 19: 113-118.



Attributes of Successful University Teachers in Effective Teaching based on Grounded Theory Method

Ahmad Khamesan

Associate professor, Faculty of Education and Psychology, University of
Birjand, Birjand, Iran

Leila Talebzadeh¹

PhD student of Educational Administration, Alzahra University, Tehran,
Iran

Hadi Pourshafei

Associate professor, Faculty of Education and Psychology, University of
Birjand, Birjand, Iran

Abstract:

This research was aimed at identifying the attributes of successful professors in effective teaching based on a grounded theory method. For this purpose, 15 successful professors from Birjand, Azad and Payame Noor universities who had obtained the highest grades in students' evaluations for the last five years, for their quality of their teaching were selected through purposive sampling. The data was collected using interviews and the review of the related literature. Data were then analyzed using open coding, axial coding and selective coding. Then, based on grounded theory, a model for effective teaching was developed. The results showed that the core concept was the professors' ability to transfer their capabilities and characteristics to the students. It is suggested, therefore, that the professors pay special attention to the ability to transfer capabilities. The professors' definitions of effective teaching were different according to different fields of study. The findings also indicated that the students

1. L_talebzadeh@yahoo.com

received: 2015-12-23

accepted :2017-11-13

DOI: 10.22051/jontoe.2017.7898.1112

evaluated their professors based on their capabilities and not their own personal attitudes.

Keyword: Effective teaching, Successful University teachers, Grounded theory

